



شورای راهبردی  
روابط خارجی

## آشتنگی اروپا در تامین امنیت ننگه باب‌المنذب و دریای سرخ

تنگه استراتژیک باب‌المنذب و دریای سرخ، در ماه‌های اخیر به دلیل جنگ غزه با مشکلات عدیده و بحران جدی مواجه شده است؛ دلیل این امر نیز رویکرد حمایت‌گرایانه نیروهای ارتش یمن از فلسطین است که از ابتدای حملات رژیم اسرائیل به نوار غزه، حمله به کشتی‌های عازم سرزمین‌های اشغالی یا از مبدأ این رژیم در دریای سرخ را در برنامه خود قرار داده و وعده داده‌اند تا زمانی که تجاوز نظامی رژیم اسرائیل به نوار غزه پایان نیابد، به حملات خود ادامه خواهند داد. ایالات متحده آمریکا به عنوان مهم‌ترین حامی رژیم اسرائیل، نخستین کشوری بود که به این سیاست نیروهای ارتش یمن واکنش نشان داد و کوشید در پوشش حمایت از آزادی کشتیرانی، انتزافی جهانی برای مقابله با این حملات تشکیل دهد؛ انتزافی که البته به دلیل تعارض منافع کشورهای غربی ناکام ماند و در عمل به حملات آمریکا و انگلیس به مواضعی در یمن ختم شد. البته، کشورهای اروپایی هر چند در انتالف آمریکایی مشارکت جدی نداشتند، اما منافع متعدد و پیچیده‌ای در این منطقه پرتالتهاب دارند و در نتیجه رویکرد ویژه و مستقلی در قبال آن اتخاذ کرده‌اند. در این راستا اتحادیه اروپا در ۱۹ فوریه ۲۰۲۴ با صدور بیانیه‌ای از آغاز ماموریت دریایی این اتحادیه در دریای سرخ موسوم به «آسپیدس» خبر داد؛ ماموریتی که حوزه آن در امتداد تنگه باب‌المنذب، تنگه هرمز و همچنین آب‌های بین‌المللی در دریای سرخ، خلیج عدن، دریای عرب، خلیج فارس و دریای عمان تعریف شده و به گفته مقامات اروپایی، اقدامی جسورانه برای حفاظت از منافع تجاری و امنیتی اتحادیه اروپا و جامعه بین‌المللی بوده است. هر چند در روابط بین‌الملل این یک رویه مرسوم است که اقدامات کشورها در قالب الفاظ و روایات عام‌پسند توجیه شود، اما برای درک و تحلیل سیاست خارجی این بازیگران باید دید اهداف و منافع واقعی پشت پرده تصمیمات آنها چیست؟ در پاسخ باید گفت یکی از دلایل اصلی و اولیه که ناامنی در تنگه باب‌المنذب و دریای سرخ را به موضوعی مهم برای اتحادیه اروپا تبدیل می‌کند، نفوذ لابی به‌حیثیت‌ت در این کشورها و در نتیجه تعهد آنها به حمایت از منافع رژیم اسرائیل است. در شرایطی که کشورهای اروپایی می‌کوشند تا توجه به آمار بالای تلفات غیرنظامیان در غزه (جهت حفظ وجهه حقوق بشری خود) به طور مستقیم عملیات خود در دریای سرخ را به حمایت از اسرائیل ربط ندهند و بیشتر بر لزوم آزادی کشتیرانی جهانی تمرکز کنند، اما بر کسی پوشیده نیست که این کشورها از حامیان اصلی رژیم اسرائیل هستند و می‌کوشند با امن ساختن مسیر تجارت در دریای سرخ، امکان رسیدن محموله‌های غذایی و لجستیکی به اسرائیل و صادرات آن رژیم به سایر کشورهای رافراهم سازند. با این حال، موقعیت ژئوپلیتیکی و جایگاه استراتژیک تنگه باب‌المنذب به عنوان سومین شریان پراهمیت جهان پس از تنگه جبل الطارق و تنگه هرمز از دیگر عواملی است که این حوزه را برای کشورهای اروپایی با اهمیت می‌سازد. تنگه باب‌المنذب به‌عنوان یک گذرگاه استراتژیک که قاره آسیا را به قاره آفریقا متصل می‌کند، از شرق به یمن و از غرب به جیبوتی منتهی می‌شود و محل تلاقی این دو قاره به‌شمار می‌رود. باب‌المنذب همچنین پل ارتباطی ورود کشتی‌ها به سمت کانال سوئز است و حذف این دو، دریای سرخ قرار دارد که اهمیت فوق‌العاده‌ای برای تجارت جهانی دارد. این تنگه ارتباطات سریع و کم‌هزینه میان قاره آسیا به اروپا و از اروپا به آمریکا را ممکن ساخته است. حدود ۱۲ درصد حجم تجارت جهانی و ۳۰ درصد ترافیک کشتی‌های کانتینری جهان از طریق این تنگه صورت می‌گیرد و روزانه حدود ۴ میلیون بشکه نفت از باب‌المنذب در مسیر اروپا ترانزیت می‌شود. بنابراین طبیعی است که کشورهای اروپایی نمی‌توانند در برابر ناامنی در این تنگه و دریای استراتژیک، بی‌تفاوت باشند. از سوی دیگر اقدامات و حملات ضداسرائیلی نیروهای مسلح یمن به کشتی‌های تجاری که عازم رژیم صهیونیستی هستند نه تنها تجارت و اقتصاد این رژیم را تهدید کرده، بلکه حامیان اقتصادی آن را نیز به دردمس انداخته است؛ کما اینکه جوزف بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در تشریح دلایل ماموریت دریایی اروپا در دریای سرخ، مدعی شده است «که حملات نیروهای مسلح یمن باعث می‌شود ترافیک دریایی به سمت دماغه امید نیک تغییر مسیر دهد که این امر به معنی ۱۰ الی ۱۴ روز سفر بیشتر است. همچنین هزینه انتقال یک کانتینر از چین به اروپا نیز دو برابر شده و هزینه بیمه کشتیرانی نیز تا ۶۰ درصد افزایش داشته است». همچنین حمل و نقل دریایی، اساس صنعت کشورهای اروپایی به ویژه آلمان را تشکیل می‌دهد؛ بیش از ۹۰ درصد کالاها از طریق دریا به اروپا می‌رسند و وضعیت فعلی دریای سرخ باعث ایجاد تنگناهایی در تأمین کالا و مواد اولیه شده و برخی از شرکت‌های اروپایی را مجبور به توقف تولید کرده است.



سلطان العامر

استادیار مطالعات خاورمیانه  
دانشگاه هاروارد

چند روز پیش بود که ۵۰ سال از لغو تحریم نفتی پنج‌ماهه عربستان سعودی بر ایالات متحده به دلیل حمایت واشنگتن از اسرائیل گذشت. در تاریخ ۱۰ اوت سال ۱۹۷۳، تقریباً دو ماه قبل از شروع جنگ اعراب و اسرائیل و اعمال تحریم نفتی ریاض علیه واشنگتن، هنری کیسینجر، مشاور امنیت ملی وقت آمریکا، در خصوص احتمال وقوع این تحریم‌ها به جان لاد، مدیر دفتر سیاست انرژی، هشدار داد. کیسینجر در خصوص احتمال اقدام عربستان در استفاده از نفت به‌عنوان یک سلاح، هشدار داد و گفت: «سعودی‌ها آنقدر درک ندارند که تبعات این مسئله را درک کنند و همین مسئله آنها را خطرناک‌تر می‌کند.»

این گفت‌وگو به این دلیل رخ داد که لاد می‌خواست در مورد نگرانی‌اش درباره «مشکل‌سازی عربستان سعودی» صحبت کند. منظور او چرخش سیاسی در عربستان بود که تهدیدی برای استفاده از نفت به‌عنوان ابزاری برای اعمال فشار بر اسرائیل برای خروج از سرزمین‌های اشغال شده در جنگ ۱۹۶۷ محسوب می‌شد. کیسینجر فکر می‌کرد که مناقشه اعراب و اسرائیل «لاینحل» است و هر «دولت عربی که توافقنامه‌ای را امضا کند که مورد قبول اسرائیلی‌ها باشد، ظرف دو سال بعد از امضای توافقنامه از بین خواهد رفت». به همین دلیل بود که او فکر می‌کرد که سعودی‌ها آنقدر فهم ندارند که بفهمند خطرات پیشرو بودن در این موضوع را هم برای خودشان و هم برای منافع آمریکا درک کنند.

از زمان مرگ کیسینجر در اواخر نوامبر در ۱۰۰ سالگی، بیشتر بحث‌های عمومی درباره میراث او بر زیر سوال بردن اخلاقیات رویکرد او به سیاست - یعنی پایبندی به سیاست‌های «واقع‌گرایانه» که ممکن است غیراخلاقی اما عملی باشند - متمرکز شده است. در نتیجه طولانی شدن جنگ‌ها و رنج و مرگ غیرنظامیان، مانند آنچه در ویتنام رخ داد، بیشتر مورد بحث قرار گرفته است. کیسینجر اما حتی در جهان عرب که از سیاست‌های او رنج می‌برد، همچنان طرفدارانی داشت. عبدالرحمن ال راشد، یکی از زبرجسته‌ترین مفسران سیاسی سعودی، در روزنامه سعودی الشرق الأوسط نوشت که کیسینجر از دیگر وزرای خارجه آمریکا در «تهیه استراتژی» متمایز و «واقع‌گرایانه» قابل تحسین بود با این حال، بررسی میراث او در بر خورد با «مسئله عربستان سعودی» است. همانطور که لاد می‌گوید، میزان کمی از تفکر استراتژیک را نشان می‌دهد و بیشتر حائز یک رویکرد موقتی است که تحت تأثیر یک خوانش تحریف کننده ایدئولوژیک و درک ساده‌لوحانه از خاورمیانه است.

قبل از شروع جنگ سال ۱۹۷۳، کیسینجر تهدیدهای عربستان را مبنی بر استفاده از تجارت نفت به‌عنوان سلاح را دست‌کم گرفت و سعی کرد سیاستی اضطرابی طراحی کند تا در صورتی که سعودی‌ها از سلاح نفت علیه ایالات متحده استفاده کنند، مورد استفاده قرار بگیرد اما سعودی‌ها به همراه سایر کشورهای عربی تولیدکننده نفت، تحریم نفتی را علیه آمریکا و سایر کشورهای به دلیل حمایت از اسرائیل در طول جنگ، اعمال کردند. در نهایت طرح اضطرابی کیسینجر در کاهش تأثیر این تصمیم عربستان شکست خورد. هنگامی که جنگ شروع شد، کیسینجر فاقد استراتژی برای مهار و در نهایت پایان دادن به جنگ بود. او در ابتدا می‌خواست یک سیاست موقتی برای اشغال تأسیسات نفتی عربستان سعودی دنبال کند. این ایده‌ای بود که ریشه در امپریالیسم قرن ۱۹ و ایده سلسله‌مراتب تمدن‌های جهانی داشت. هنگامی که این سیاست شکست خورد، او تهدید کرد که پیام‌های خصوصی بین دولت آمریکا و عربستان سعودی را منتشر خواهد کرد. اگرچه تحریم نفتی که عربستان اعمال کرده بود، در نهایت بدون برآورده شدن خواسته اصلی اش مبنی بر عقب‌نشینی کامل اسرائیل از مرزهای ۱۹۶۷ پایان یافت، اما اقدام عربستان در پیوند زدن منافع ایالات متحده در خصوص بر خورداری از نفت منطقه و درگیری اعراب و اسرائیل در پنج دهه آینده موفقیت‌آمیز بود. این دقیقاً همان نتیجه‌ای بود که کیسینجر سعی داشت از وقوعش جلوگیری کند که البته موفق نشد.

در دسامبر سال ۱۹۷۲، ملک فیصل، پادشاه عربستان سعودی، تصمیم گرفت به سیاست طولانی‌مدت خود مبنی بر استفاده نکردن از نفت به‌عنوان سلاح پایان دهد. در همان ماه، دو مقام آمریکایی به نام جان کانالی و فرانکلین لینکلن، دیدارهای جداگانه‌ای با فیصل داشتند و هر دو با یک برداشت یکسان از تصمیم فیصل، به واشنگتن برگشتند. ملک فیصل به این دو مقام آمریکایی گفته بود که هیچ توسعه بیشتری در روابط عربستان و آمریکا وجود نخواهد داشت. براساس آرشيو وزارت امور خارجه، کیسینجر به نیکسون گزارش داد که تأمین منافع اقتصادی یا هر گونه توسعه بیشتر تولید نفت از سوی عربستان بدون حل و فصل سیاسی درگیری اعراب و اسرائیل ممکن نخواهد بود.

به گفته این دو مقام آمریکایی، فیصل همچنین به آنها گفته بود که تحت فشار شدیدی برای «قطع عرضه نفت» به حامیان اسرائیل قرار دارد. کیسینجر در مورد این گزارش نیز نوشت که این اولین اقدام فیصل در مرتبط کردن نفت با بحران اعراب و اسرائیل است. او گزارش خود را با این پیش‌بینی دقیق پایان داد که فیصل «دیگر در حالت منفعلانه و کاملاً دوستانه در روابطش با آمریکا قرار ندارد و در انتظار اقدام مساعد ایالات متحده برای حل مناقشه اعراب و اسرائیل باقی نخواهد ماند و خودش دست به اقدام خواهد زد.»

## NEW LINES MAGAZINE

**کیسینجر نه تنها در جلوگیری از استفاده عربستان از ابزار نفت علیه آمریکا شکست خورد، بلکه به اشتباه تصور می‌کرد تحریم نفتی مؤثرتر از کاهش تولید نفت است. او در خاطرات خود نوشت: ما آنقدر روی خطر تحریم متمرکز بودیم که فکر کردیم کاهش تولید، عمدتاً یک حرکت نمادین است**

در ماه‌های بعد، مقامات سعودی تصمیم خود را برای پیوند دادن آینده روابط عربستان و آمریکا به بحران اسرائیل و فلسطین علنی کردند. همانطور که رودیگر گراف، مورخ در کتاب خود با عنوان «نفت و حاکمیت» توضیح می‌دهد، این کمپین عمومی عربستان در ماه می سال ۱۹۷۳ با مصاحبه واشنگتن‌پست با احمد زکی یمانی، وزیر نفت و منابع معدنی عربستان تحت عنوان «سعودی‌ها نفت را به سیاست ایالات متحده در برابر اسرائیل گره می‌زنند» آغاز شد. چند هفته بعد، ملک فیصل شرکت‌های نفتی آمریکایی در آرامکورا تحت فشار قرار داد تا همین پیام را منتقل کنند. در تابستان سال ۱۹۷۳، اسکون موبیل یک آگهی تمام‌صفحه در نیویورک‌تایمز منتشر کرد و به مردم آمریکا در مورد عواقب اقتصادی سیاست‌های آمریکا هشدار داد و اعلام کرد که اگر دولت ایالات متحده اقدامات جدی برای تحت فشار قرار دادن اسرائیل برای عقب‌نشینی به مرزهای ۱۹۶۷ انجام ندهد، عواقب اقتصادی در انتظار همه مردم آمریکا خواهد بود. در ژوئیه سال ۱۹۷۳، پادشاه عربستان سعودی در مصاحبه‌ای که با تیتز «فیصل به آمریکا درباره اسرائیل هشدار می‌دهد» منتشر شد، به جیم هوگلند، روزنامه‌نگار واشنگتن‌پست گفت: «اگر حمایت آمریکا از اسرائیل همچنان ادامه یابد، ادامه همکاری نزدیک با ایالات متحده برای عربستان در سطح فعلی دشوار خواهد بود.» تا حدی در واکنش به این تغییر در سیاست عربستان بود که کیسینجر به دنبال توسعه استراتژی آمریکا با هدف به حداقل رساندن تأثیر هرگونه تحریم احتمالی نفت توسط اعراب بود. در مارس سال ۱۹۷۳، کیسینجر دستور داد که یک پژوهش امنیت ملی تحت نام NSSM ۱۷۴، درباره «پیامدهای امنیت ملی انرژی جهان» تهیه شود. این مطالعه در ماه اوت به پایان رسید. علاوه بر پیشنهادات کلی برای مقابله با تهدید آسیب‌پذیر بودن در برابر کمبود عرضه بین‌المللی، این مطالعه به‌طور خاص به تأثیر درگیری اعراب و اسرائیل بر قطع بالقوه نفت پرداخت. این مطالعه مجموعه‌ای از استراتژی‌ها را در اولویت قرار داد تا «عرب‌های میانه‌رو» و عمدتاً «تأمین‌کننده کلیدی نفت آمریکا نظیر عربستان سعودی» از استفاده از ابزار نفت برای تأثیرگذاری بر سیاست

ایالات متحده در قبال درگیری اعراب و اسرائیل خودداری کنند. این ایده‌های راهبردی شامل افزایش هزینه این اقدام اعراب از طریق مشارکت بیشتر ایالات متحده در امنیت و اقتصاد کشورهای تولیدکننده نفت و همچنین کاهش اثربخشی استفاده از ابزار نفت با اتکا بیشتر به تولید نفت ایران و افزایش تولید داخلی آمریکا بود. علاوه بر اهمیت منافع ملی آمریکا در جلوگیری از استفاده عربستان از قدرت نفتی خود علیه ایالات متحده، کیسینجر همچنین فکر می‌کرد که این کار به نفع عربستان سعودی هم نیست. او معتقد بود که سعودی‌ها برای مقابله با مسئله اسرائیل «ابزارهای کمتری دارند». اساساً به این دلیل که او معتقد بود این بحران قابل حل نیست و عربستان سعودی با تلاش برای حل آن، رژیم خود را در معرض خطر قرار می‌دهد. از نظر او، عقب‌نشینی اسرائیل به مرزهای ۱۹۶۷ غیرممکن بود و هرگونه نتیجه‌ای مبتنی بر صلح احتمالی بین فلسطین و اسرائیل، آن طوری که مدنظر اعراب بود، رخ نمی‌داد. بنابراین بهتر بود که سعودی‌ها از تبعات اتخاذ چنین سیاستی آگاه شده و منصرف شوند. نقل قول کیسینجر در ماه اوت هنوز در خاطره‌ها باقی مانده که گفت: «سعودی‌ها آنقدر فهم ندارند که تبعات این اقدام را درک کنند و با همین دلیل تصمیم‌شان خطرناک‌تر است.» او این موضوع را بارها تکرار کرد. به‌عنوان مثال، کیسینجر در ۱۷ اوت به وزیر امور خارجه اسرائیل گفت که فکر می‌کند «اشتباه است که سعودی‌ها را در مناقشه اعراب و اسرائیل درگیر کنیم». در دهم سپتامبر، او سفیر اسرائیل را از «راهبرد خود برای دور نگه داشتن سعودی‌ها از مناقشه اعراب و اسرائیل» مطلع کرد. استراتژی کیسینجر به طرز بدی شکست خورد، زیرا او نتوانست عربستان سعودی را از درگیری اعراب و اسرائیل دور نگه دارد و طرح NSSM ۱۷۴ او نیز نتوانست مصرف‌کنندگان آمریکایی را از استفاده استراتژیک از نفت اعراب دور کند. در واقع، تا یک روز قبل از تصمیم کشورهای عربی تولیدکننده نفت برای تحریم فروش نفت به آمریکا، کیسینجر اصرار داشت که سعودی‌ها این کار را انجام ندهند. نگاهی دقیق‌تر به عملکرد کیسینجر از ۱۶ تا ۲۰ اکتبر،

تاریخچه

# شکست از

داستان ناکامی‌ها در ممانعت از کاهش قیمت نفت از سوی اعراب و ابزار فشار بر



دیدار هنری کیسینجر با ملک فیصل، پادشاه عربستان در دسامبر ۱۹۷۳. عکس: Gettyimages